

باسمه تعالی

۱. صورت دوم علم اجمالی: فرد متعین یا مردد.....
۲. جمع بندی حقیقت علم اجمالی، و تفاوت آن با علم تفصیلی.....
۲. تکمله: تفاوت «فرد» و «فرد مردد».....
۳. منجزیت علم اجمالی در مرحله مخالفت احتمالیه.....
۳. مسلک اول: منجزیت علم اجمالی.....
۳. اصل منجزیت علم اجمالی در مرحله مخالفت احتمالیه.....
۴. منجزیت علم اجمالی در مرحله مخالفت احتمالیه، اقتضائی است.....

موضوع: حجج و امارات / قطع / علم اجمالی

خلاصه مباحث گذشته:

در جلسات قبل بحث از حقیقت علم اجمالی شروع شد. گفته شد علم اجمالی صوری دارد، و صورت اول توضیح داده شد. در این جلسه صور دیگر علم اجمالی توضیح داده خواهد شد.

صورت دوم علم اجمالی: فرد متعین یا مردد

گفته شد علم اجمالی دو صورت دارد، و صورت اول در جایی است که اشاره ذهنی به واقع متعینی شده که برای شخص معین نیست. در این موارد محکی متعلق علم اجمالی، فردی متعین و مشخص است (مفهوم احدهما نیز هرچند در نظر مختار مفهومی جزئی است، اما اگر هم کلی باشد، به هر حال محکی تنجز می یابد).

در صورت دوم علم اجمالی، با مفهوم «احدهما» اشاره ذهنی به فرد متعین نمی شود. اگر معصوم علیه السلام خبر دهد این دو اناء معاً ظاهر نیستند (یعنی یا یکی از آنها و یا هر دو نجس هستند)، در این صورت نیز علم اجمالی به نجاست احدهما پیدا می شود. ذهن در این فرض به اناء متعین اشاره نمی کند. صورت دوم علم اجمالی به لحاظ واقع دو صورت می شود:

الف. گاهی در واقع یک اناء ظاهر و دیگری نجس است؛ فرض شود اناء یمین ظاهر و اناء یسار نجس باشد. در این صورت محکی علم اجمالی، فرد متعین یعنی اناء یسار است (یعنی محکی «احد الانائین» در این مثال اناء یسار و متعین است).

ب. گاهی در واقع هر دو اناء نجس هستند؛ محکی «احد الانائین» در این صورت، فرد مردد است. بنابراین محکی علم

اجمالی، اناء یمین یا اناء یسار یا هر دو معاً نمی باشد.

این دو صورت وجه اشتراکی دارند که با رجوع به ذهن، معلوم نیست که محکی علم اجمالی «فرد متعین» است یا «فرد مردد» است؛ زیرا اشاره ذهنی به فرد متعینی وجود ندارد و عالم واقع معلوم نیست.

جمع‌بندی حقیقت علم اجمالی، و تفاوت آن با علم تفصیلی

در نتیجه بحث انجام شده، علم اجمالی سه صورت دارد: صورت اول جایی است که محکی علم اجمالی، فرد متعین بوده و در هم اشاره ذهنی به آن می‌شود (یعنی شخص می‌داند که محکی علم اجمالی، فرد متعین است)؛ صورت دوم جایی است در واقع فرد متعین، محکی علم اجمالی است اما شخص عالم هم نمی‌داند که محکی آن، فرد متعین است یا فرد مردد است؛ و صورت سوم جایی است که در واقع فرد مردد، محکی علم اجمالی است و شخص نیز نمی‌داند که محکی آن فرد متعین است یا فرد مردد است.

بنابراین در حقیقت علم اجمالی، کلام محقق عراقی فی الجمله پذیرفته شد (در صورت اول و دوم علم اجمالی)، و کلام مرحوم آخوند نیز فی الجمله پذیرفته شد (در صورت سوم علم اجمالی)، اما «جامع» نمی‌تواند متعلق علم اجمالی باشد. پس نظر مختار به نظریه محقق عراقی نزدیکتر است؛ زیرا اولاً در دو صورت از صور علم اجمالی شبیه نظر ایشان است، و ثانیاً اکثر موارد علم اجمالی به نحو صورت اول است.

بنابراین تفاوت علم اجمالی و تفصیلی این خواهد شد که محکی علم تفصیلی همیشه «فرد متعین معین» است؛ اما محکی علم اجمالی ممکن است «فرد متعین نامعین» و یا «فرد مردد» باشد.

تکمله: تفاوت «فرد» و «فرد مردد»

تفاوت بین فرد و فرد مردد، در انطباق و تطبیق است. در «فرد» انطباق مفهوم بر آن به نحو قهری است یعنی فردیت نیز قهری بوده و دست دیگری نیست. به عنوان مثال مفهوم «رجل» افرادی در خارج دارد، که انطباق آن بر تک تک افراد به شکل قهری است. در «فرد مردد» انطباق قهری مفهوم بر آن نیست، بلکه فرد مردد قابلیت تطبیق بر هر یک از افراد را دارد، یعنی تطبیق آن به دست دیگری است. به عنوان مثال «زید» و «بکر» و «عمرو» و «خالد» و ... از افراد مفهوم «رجل» هستند. اگر گفته شود «اکرم رجلاً»، قطعاً مفهوم «رجلاً» به نحو قهری منطبق بر زید یا سائر افراد نیست؛ زیرا نمی‌توان گفت اکرام زید واجب است. بنابراین اکرام هیچ فردی بخصوصه واجب نیست، بلکه اکرام یک فرد «لا علی التعین» واجب است. در فرد مردد این خصوصیت وجود دارد که مکلف می‌تواند آن را بر تک تک افراد تطبیق نماید. یعنی با اکرام زید در مثال فوق، طلب مولی را امتثال کرده است. مثال دیگر اینکه در بیع «کلی در معین» زید یکی از این ده کیسه را به ده هزار تومن می‌فروشد. در این صورت مبیع هیچ کدام از این ده کیسه نیست، اما زید می‌تواند مبیع را بر یک کیسه تطبیق دهد. اگر زید مبیع را بر یکی تطبیق دهد، مبیع

در حقیقت همان کیسه خواهد شد. بنابراین در فرد مردّد انطباق قهری بر فرد خاصّ یا تمام افراد وجود ندارد، بلکه تطبیق آن بر یک فرد به دست دیگری است (یعنی تطبیق فرد مردّد، بر یک فرد خاصّ به نحو ارادی بوده و قهری نیست).

منجزیت علم اجمالی در مرحله مخالفت احتمالیه

بعد از تبیین حقیقت علم اجمالی، به اصل بحث می‌پردازیم. سوال این است که آیا علم اجمالی می‌تواند تکلیف فعلی را منجز نماید، در حالی که تکلیف فعلی، متعیّن نامعیّن است؟ و یا در حالی که تکلیف فعلی فرد مردّد است؟ به عبارت دیگر آیا قطع می‌تواند منجز تکلیف فعلی باشد در حالیکه علم به تکلیف متعیّن نامعیّن (یعنی محکی آن متعیّن نامعیّن است)، و یا به فرد مردّد تعلق گرفته است؟

همانطور که گفته شد در بحث منجزیت علم اجمالی در مرحله مخالفت احتمالیه، سه مسلک وجود دارد (که گفته شده این سه مسلک مرتبط با حقیقت علم اجمالی است)، که هر یک به طور مستقلّ بررسی خواهد شد:

مسلک اول: منجزیت علم اجمالی

نظریه رائج و مشهور این است که علم اجمالی منجز بوده و این منجزیت به نحو اقتضائی است. بنابراین شارع می‌تواند در بعضی از اطراف، ترخیص در مخالفت دهد. گفته شده این مسلک با نظریه محقق عراقی (فرد متعیّن نامعیّن) سازگار است؛ زیرا علم اجمالی به فرد متعیّن تعلق گرفته و موجب تنجیز آن شده است. این تنجیز نیز اقتضائی است؛ زیرا آن فرد متعیّن، نامعیّن بوده و ترخیص در آن ممکن است.

اصل منجزیت علم اجمالی در مرحله مخالفت احتمالیه

به نظر می‌رسد این مسلک صحیح بوده و علم اجمالی نیز منجز تکلیف فعلی در مرحله مخالفت احتمالیه می‌باشد. البته همانطور که در حقیقت علم اجمالی گفته شد، سه صورت برای علم اجمالی وجود دارد. متعلق علم اجمالی در این سه صورت ممکن است «فرد متعیّن» و یا «فرد مردّد» باشد:

الف. فرد متعیّن: در صورتی که علم اجمالی به فرد متعیّن تعلق گیرد، منجز است. البته برهانی بر اثبات این ادعا وجود ندارد، و تنها وجدان حاکم به آن است. توضیح اینکه در جایی که علم اجمالی به فرد متعیّن تعلق گیرد، بالوجدان مخالفت با آن تکلیف استحقاق عقاب دارد.

۱. با توضیح دقیق محلّ بحث، معلوم می‌شود که تفاوتی بین مخالفت قطعی و احتمالی در منجزیت علم اجمالی وجود ندارد.

ب. فرد مردّد: در صورتی که علم اجمالی به فرد مردّد تعلق گیرد (صورت سوم علم اجمالی)، نیز برهانی برای اثبات منجزیت وجود نداشته و تنها وجدان حاکم به آن است. توضیح اینکه در فرد مردّد تطبیق به دست مکلف است. اگر انائی شرب شود که در واقع نجس است، همین مقدار برای استحقاق عقاب در نظر عقل کافی است. بنابراین عقوبت در مخالفت احتمالی نیز عقلاً قبیح نیست (طرف مقابل هم دلیل و برهان ندارد، زیرا این امور وجدانی می‌باشند).

منجزیت علم اجمالی در مرحله مخالفت احتمالی، اقتضائی است

علم اجمالی در مرحله مخالفت احتمالی، منجز است. این منجزیت بنابر نظر مختار، اقتضائی است؛ زیرا در نظر مختار منجزیت علم تفصیلی نیز اقتضائی است. بنابراین شارع می‌تواند ترخیص در مخالفت احتمالی دهد. از آنجا که این امور وجدانی است پس کسی که منجزیت علم تفصیلی را علی‌بداند (کما علیه المشهور)، در مورد علم اجمالی نیز باید به وجدان خودش رجوع نماید. البته به نظر می‌رسد کسی که منجزیت علم تفصیلی را علی‌می‌داند، باید وجدان وی حکم به علیت منجزیت علم اجمالی در فرد متعین (یعنی صورت اول علم اجمالی)، و اقتضائیت آن در فرد مردّد نماید (صورت دوم و سوم علم اجمالی که نمی‌داند فرد متعین است یا مردّد).